خبر روز

ساخت فصل‌های بعدی سریال «وضعیت زرد»

کهندل | مجید رستگار که این روزها مشغول پیش‌تولید فصل دوم و سوم سریال «وضعیت زرد» است، از آغاز فیلم‌برداری این مجموعه تلویزیونی در روزهای آینده خبر داد. کارگردان سریال «وضعیت زرد» گفت: فیلم‌برداری فصل دوم و سوم این مجموعه تلویزیونی به‌صورت همزمان کلید می‌خورد و همه تلاش خودمان را می‌کنیم تا برای پخش در ماه رمضان سال آینده آماده شود. او با بیان اینکه مهم دیده شدن سریال و رضایت مخاطب است، افزود: با وجود اینکه فصل اول سریال در زمان خوبی روی آنتن نرفت و بازیگر چهره نداشت ولی جزو سریال‌هایی بود که مخاطب را راضی نگه داشت. امیدوارم فصل‌های جدید هم با بهتر شدن فیلم‌نامه و تغییر فضاها به لحاظ بصری با رضایت مخاطب همراه باشد.

استانداردهای فیلم‌نامه‌نویسی را ارتقا دهیم

مسعود ده‌نمکی در کارگاه «ایده و فیلم‌نامه‌نویسی» دوازدهمین جشنواره مردمی فیلم «عمار» گفت: یکی از گران‌ترین بخش‌های تولید فیلم در هالیوود، بخش فیلم‌نامه است. یک بار می‌بینید یک سوم هزینه فیلم را به فیلم‌نامه اختصاص می‌دهند چون ممکن است آن فیلم‌نامه‌نویس یک یا چند سال برای فیلم‌نامه‌اش وقت صرف کرده باشد اما فیلم‌نامه در کشور ما خیلی جدی گرفته نمی‌شود در حالی که همه کارشناسان معتقدند مشکل اصلی سینما و حتی تئاترهای ما متن است. نقش فیلم‌نامه در آثار نمایشی بسیار کلیدی است. من به هر کدام از مسئولان، آن‌ها که گوشی برای شنیدن داشتند و من را برای مشورت دعوت کردند گفتم ما باید بتوانیم استانداردهای فیلم‌نامه نویسی را ارتقا دهیم.

مجید ملامحمدی
نویسنده

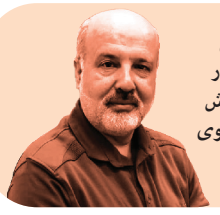

خدیجه زمانیان | دو جوان یکی دختر عرب به نام «زینا» و دیگری پسری اروپایی به نام «جوزف» (یوسف) که هر دو داعشی هستند برای عملیاتی انتحاری، به مسیر پیاده‌روی اربعین آورده می‌شوند. آن دو در ذهن خود از آموزه‌های دینی داعش چیزهایی یادگرفته‌اند اما در مسیر پیاده‌روی کربلا چیزهای دیگری می‌بینند که بر خلاف عقایدشان است. جوان اروپایی به تردید می‌افتد اما دختر جوان بر عقیده اشتباهش اصرار دارد. این چند خط خلاصه‌ای است از کتاب «داعشی و عاشقی» که توسط مجید ملامحمدی برای مخاطب نوجوان نوشته شده و به‌نشر آن را به تازگی منتشر کرده است.

«مجید ملامحمدی» متولد ۱۳۴۷ یکی از نویسندگان و شاعران فعال در حوزه کودک و نوجوان است. تاکنون ده‌ها عنوان کتاب در زمینه‌های داستان، شعر و تحقیق از او منتشر شده است و آثارش در جشنواره‌های کتاب سال کشوری برگزیده شده‌اند. گفت‌وگوی ما را درباره «داعشی و عاشقی» با این نویسنده بخوانید.

گفت‌وگو با مجید ملامحمدی به انگیزه انتشار رمان «داعشی و عاشقی»

پاسخی به پرسش‌های نوجوانان درباره داعش

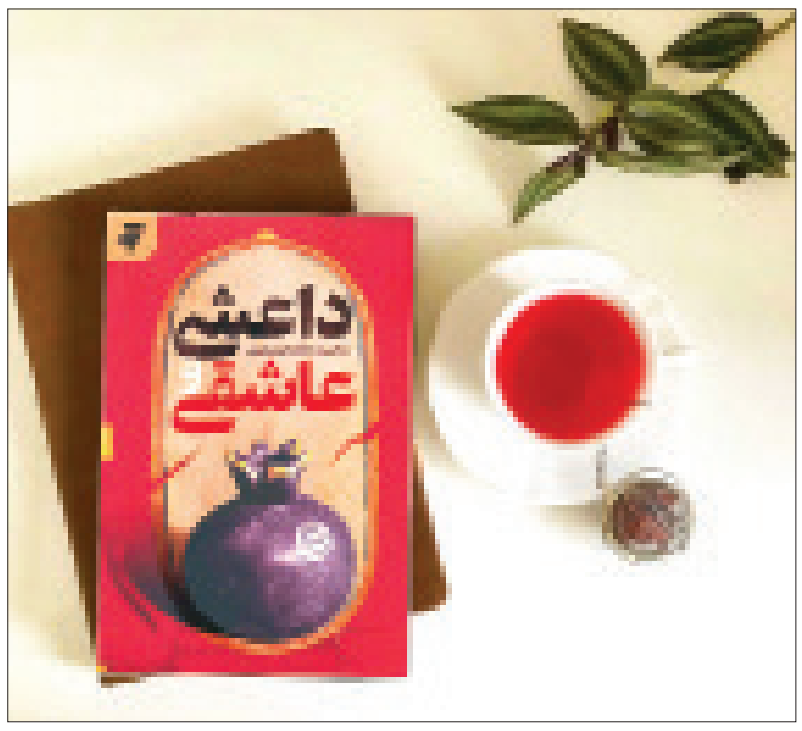

■ چطور شد که «داعشی و عاشقی» را برای گروه سنی نوجوان نوشتید؟

همیشه با نوجوان‌هایی روبه‌رو می‌شدم که برایشان سؤال بود داعشی‌ها چه کسانی هستند و چطور این همه جنایت در کشورهای عراق و سوریه مرتکب می‌شوند. احساس کردم بچه‌ها دوست دارند اطلاعاتی راجع به این گروه داشته باشند. پیش از این هم مطالعاتی راجع به داعشی‌ها داشتم مجموع این عوامل من را ترغیب کرد تا ذهنیت من به طرف نوشتن این رمان کشیده شود و سرانجام آن را نوشتم.

■ در خصوص داعش منابع زیادی موجود نیست. شما چطور درباره این گروه به اطلاعات دسترسی پیدا کردید؟

منابع مطالعات من مختلف بود منابع خبری، رسانه‌ها و تاریخ‌های شفاهی و وقایع‌نگاری‌هایی که در خصوص شهدای مدافع حرم و داعش منتشر شده است. چون می‌خواستم برای مخاطب نوجوان این کتاب را بنویسم این منابع برای من کافی بود.

■ چطور به شخصیت یوسف و تشبیه او به وهب؛ یار امام حسین(ع) رسیدید و چرا شخصیت‌ها از ملیت‌های دیگر انتخاب شدند؟

در منابع می‌خواندم که یکی از شگردهای رهبران داعش این بوده که ملیت‌های مختلف دنیا به‌خصوص اروپایی‌های تازه‌مسلمان شده را به جنگ می‌کشانند و آن‌ها را به نوعی به تله می‌برند و می‌خواهند برای خودشان سیاهی لشکر درست کنند. برای همین «یوسف» را به‌عنوان شخصیت اول کتاب خلق کردم که اروپایی و تازه‌مسلمان شده است.

■ چقدر از شخصیت‌های کتاب واقعی هستند و چقدر زاده تخیل؟

همه شخصیت‌ها زاییده تخیل هستند اما بر اساس واقعیت ساخته شده‌اند اطلاعات و اخباری که در رمان به مخاطب داده می‌شود اعم از نقل قول‌ها، خاطرات و فلاش‌بک‌ها مستند و اطلاعاتی هستند که در اخبار مربوط به داعش داده شده است ضمن اینکه من این کتاب را برای مخاطب نوجوان نوشتم برای همین سعی کردم خیلی زیاد به خشونت‌های داعش نپردازم و به نظرم همین اندازه که در کتاب اشاره شده برای آشنایی نوجوانان با داعش کافی است.

■ در این کتاب شما توجه ویژه‌ای به پیاده‌روی اربعین داشته‌اید و در قسمت‌هایی که یوسف و زینا در این مسیر هستند، موقعیت‌های خواندنی و لذت‌بخشی خلق شده‌اند. از قرار دادن دو موضوع داعش و مسیر پیاده‌روی در کنار هم بگویید.

بله در این کتاب به تفصیل موقعیت‌هایی خلق شده از برخورد عراقی‌ها با شیعیان دنیا و میزبانی از آن‌ها. هدف من هم نشان دادن اهمیت پیاده‌روی اربعین و عشق عزاداران حسینی به امام حسین(ع) و اهل بیت(ع) بود و داعش بهانه‌ای بود تا بگویم مردم حتی اگر با سخت‌ترین حوادث، بدترین اتفاق‌ها و با دشمن‌ترین دشمن‌ها مواجه شوند همیشه پای اسم و نهضت امام حسین(ع) می‌ایستند. همان طور که پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) مهربان بودند، شیعیان هم چنین روحیه‌ای دارند.

کما اینکه یوسف یکی از شخصیت‌های اصلی قصه ما به‌دلیل همین اخلاق خوب و میهمان‌نوازی‌هایی که از طرف پیروان اهل بیت(ع) صورت گرفت متوجه شد راه را اشتباه آمده و همه اطلاعات و دانسته‌هایی که توسط داعش در ذهن او فرو شده، دروغ بوده است. گردهمایی پیاده‌روی اربعین فقط یک سفر نیست، دانشگاهی است که می‌تواند آدم‌ها را با خلق و خوی اسلامی که نشأت گرفته از خلق و خوی پیامبر(ص) است، آشنا کند به خصوص مسافرانی که از سرزمین‌ها و ادیان دیگر به این راهپیمایی می‌آیند و قدم در این مسیر می‌گذارند وقتی این خلق و خو را ببینند عشق حسینی به دلشان می‌افتد و مجذوب تفکر شیعه می‌شوند.

■ شما در اثرتان اشاره مختصری هم داشتید به سردار سلیمانی.

ماجرای این کتاب در زمانی اتفاق می‌افتد که ایشان هنوز شهید نشده‌اند. هر چند جایشان الان خالی است. اشاره کوتاهی به شهید سلیمانی در کتاب شده که به نظرم بسیار جذاب و تأثیرگذار است. اما من خیلی دوست دارم رمانی مستقل از جهاد سردار سلیمانی در مقابل داعش برای نوجوانان بنویسم. دعا کنید این توفیق نصیبم شود.

درباره مجموعه کمدی «جوکر»

جای خالی ماهی‌صفت!

حامد مظفری | مجموعه «جوکر» ایده بدی ندارد و اتفاقاً چون کپی یک مجموعه امتحان پس داده ژاپنی است که در اروپا و استرالیا بازسازی شده پس در وهله نخست، ماده خام خوبی برای بازسازی در ایران دارد. آن قدر کپی‌کاری‌های مؤلفان(!) داخلی از نمونه‌های موفق خارجی لو رفته که سازندگان «جوکر» در همان ابتدا درباره بازسازی خود روشنگری کردند و راست گفتند که مجموعه‌شان، کپی است. این کپی‌کاری در وهله نخست و به مانند بسیاری از بازسازی‌های وطنی، مورد توجه قرار گرفت ولی هر چه جلوتر رفتیم از عطش ابتدایی برای تماشا کاسته شد. دلیلش واضح است و صد بار تکرار شده؛ خنداندن بیشتر از پرواکشن عظیم و دکورهای ملون به متن خوب نیاز دارد و در ساختار یک رئالیته‌شو، این اهمیت متن به مراتب بیشتر هم می‌شود و آنچه در «جوکر» کم‌بنیه بود اول همین متن بود.

وقتی متن ضعیف است در یک الگوی امتحان پس داده که از سینمای فارسی و کمدی‌هایی که با امثال میری و وحدت، صیاد، نوذر آزادی، متوسلانی، سپهرنیا، نصرت کریمی، پرویز خطیبی، ارحام صدر و... پیش می‌رفت تا سینمای تجاری پس از انقلاب اسلامی و محصولاتی که مؤسسه‌هایی نظیر پویافیلم، شکوفافیلم و سپاهان‌فیلم ارائه می‌دهند این بداهه‌پردازی‌های کمدین‌هاست که موتور محرکه کار می‌شود. در همین مسیر بوده که مثلاً اکبر عبدی، علیرضا خمسه، ایرج طهماسب، حمید جبلی، رضا عطاران و در سطحی دیگر امثال جواد عزتی، علی صادقی، مهران غفوریان و جواد رضویان عاملی برای تولید کمدی‌هایی بفروش شدند. این جماعت کمدین هر چقدر بیشتر بداهه‌پرداز باشند، لنگی متن کمتر به چشم می‌آید چنان که امثال اکبر عبدی یا رضا عطاران تقریباً در تمامی آثار خود- حتی ضعیف‌ترین آن‌ها که کپی فیلم‌فارسی‌هایی نظیر «دزد و پلیس» یا «سازش» بوده، توانستند چنان فیلم را روی دوش بداهه‌های خود پیش ببرند که در بازپخش‌های ده‌باره باز مخاطب از آثار استقبال کند. آنچه «جوکر» ندارد متن محکم مهندسی شده برای خلق کمدی است که از همان قسمت اول محسوس بود و در این ساختار وقتی امثال غلامرضا نیکخواه با کمدی غریزی خود می‌شوند مرکز ماجرا، ریتم تند شده و لذت تماشا بیشتر می‌شود ولی امان از وقتی که افراد فاقد بداهه‌پردازی قدرتمند غریزی نظیر ژوله یا سهیل مستجابیان یا امیر کاظمی می‌شوند مرکز مجموعه که نه فقط خودشان رنج می‌برند از سنگینی بار طنزپردازی بلکه مخاطب هم دلش می‌سوزد به حالشان. کمی تلخ است ولی حتی امین حیایی با سابقه بالا در بازیگری باز هم در طنزپردازی غریزی لکنت دارد و همین است که همه هنرش می‌شود استند آپ جاهلی به سبک حسن فیلم «کما» در «جوکر».

«جوکر» تلاش قابل تحملی برای ورود به رئالیتی‌شو از نوع کمدی داشته ولی درصد موفقیت آن در فصل اول خیلی که خوشبینانه نگاه کنیم پنجاه-پنجاه است. فقط کافیست حجم بالای سکانس‌های خنده‌دار یک کمدی کالت مثل «اجاره‌نشین‌ها» یا سریالی مثل «خودرو تهران یازده» یا نمونه‌هایی امروزی‌تر مثل «ایران برگر» و «چک» را با کل لحظات خنده‌دار فصل اول «جوکر» مقایسه کنیم تا دریابیم چقدر دست سازندگان این مجموعه خالی است. وقتی متن قوی نداریم چاره‌ای نداریم جز به کارگیری کمدین‌های بداهه‌پرداز! حالا لازم هم نیست لقمه را دور سرمان بچرخانیم یا خیلی هنری به قضیه نگاه کنیم؛ یکی مثل فیروز کریمی یا مجتبی محرمی هم قریحه طنزی دارند که بسیاری از بازیگران فعلی ندارند.

حمید ماهی‌صفت را اغلب ایرانیان می‌شناسند؛ این استندآپ کمدین فقط با نشستن جلو دوربین و ذکر صد باره بسیاری از جوک‌های تکراری، ۱۰ برابر بیشتر از برخی بازیگران «جوکر» می‌خنداند. چرا؟ چون خنداندن کسب و کارش است و «اشتباهی» نیست! در ادامه راه «جوکر»، احسان علیخانی باید برود سراغ کمدین‌هایی که اشتباهی نیستند....

پس اگر مخاطب بخت‌برگشته پای «جوکر» می‌نشیند نه ناشی از کیفیت متعالی بلکه به‌خاطر نبود محصول کمدی باکیفیت چه در تلویزیون و چه در شبکه خانگی است. وقتی رسانه‌های فراگیر را پر می‌کنیم از محصولات اشک‌آور، معلوم است یکی مثل «جوکر» می‌شود دریچه‌ای برای تنفس مخاطب خسته از ملال. «جوکر» اگر بخواهد خودش، ضد خودش نباشد باید بر متن‌پرداز قاهر توجه کند و وقتی متن قوی ندارد چاره‌ای جز به کارگیری کمدین‌های بداهه‌پرداز ندارد!

همایون شجریان برای «جیران» خواند

همایون شجریان عنوان‌بندی پایانی سریال عاشقانه حسن فتحی را خوانده و فردین خلعتبری آهنگسازی آن را به عهده داشته است. «جیران» شانزدهمین سریال حسن فتحی و دومین سریال او در شبکه نمایش خانگی پس از سریال «شهرزاد» است و روایتگر زندگی جیران ـ یکی از همسران ناصرالدین شاه ـ است. سریال «جیران» که قرار بود ۲۴ دی ماه ساعت ۸ صبح بر بستر فیلیمو منتشر شود با تأخیر و پس از رفع ملاحظات ساتورا منتشر خواهد شد.

فرهنگ و هنر